

## حدیث «فئة باغیه» و پاسخ به شبهات ابن تیمیه در دفاع از معاویه (بازخوانی منابع تاریخی و حدیثی اهل سنت)

nasiri.m@ut.ac.ir

shghazavi@ut.ac.ir

nasimedalat1387@yahoo.com

محمد نصیری / استادیار دانشکده معارف و اندیشه اسلامی دانشگاه تهران

سیدحسن قاضوی / استادیار دانشکده معارف و اندیشه اسلامی دانشگاه تهران

مصطفی رئیسی / دانشجوی دکتری شیعه‌شناسی دانشگاه ادیان و مذاهب

دریافت: ۹۶/۲/۲۰ - پذیرش: ۹۶/۶/۲۲

### چکیده

یکی از رخدادهای به‌ظاهر پیچیده صدر اسلام، جنگ‌های داخلی میان مسلمانان در دوره خلافت علی بن ابی طالب رضی الله عنه است، به گونه‌ای که حتی برخی از صحابه بزرگ رسول اکرم صلی الله علیه و آله در حقانیت یک جبهه در مقابل جبهه دیگر تا مدتی دچار حیرت بودند.

در خصوص چرایی، چگونگی و پیامدهای این نبردها، پژوهش‌هایی هرچند مختصر انجام شده، اما درباره تحلیل مستند و شبهه‌شناسانه رخدادهای ریز و درشت این جنگ‌ها، کاری انجام نشده و یا کمتر بدان پرداخته شده است.

یکی از این رخدادهای مهم، نبرد «صفین» است که شهادت عمار یاسر در آن توسط سپاه معاویه رخ داد. رسول خدا صلی الله علیه و آله در حدیثی متواتر فرمودند: او (عمار یاسر) را فئته باغیه (گروهی ستمگر) خواهند کشت. حدیثی که به سبب حضور عمار در سپاه امام علی رضی الله عنه به‌وضوح دلالت بر حقانیت مواضع امام علی رضی الله عنه به طور عام و باطل بودن معاویه و سپاه یاغی او به طور خاص دارد.

از آنجاکه ابن تیمیه با طرح شبهاتی در خصوص این حدیث، به دفاع همه‌جانبه از معاویه پرداخته است، نشانه‌شناسی بطلان دلایل و توجیهات او اهمیت فراوان می‌یابد. تردید در سند حدیث و تضعیف دلالت آن، ادعای اجتهاد معاویه و مثاب دانستن او، حتی در صورت خطا کار بودنش در اجتهاد و نکاتی دیگر از جمله مسائل و شبهات ابن تیمیه است که در تحقیق پیش‌رو، با تأکید بر منابع تاریخی و حدیثی اهل سنت محل تأمل و نقد قرار گرفته است.

**کلیدواژه‌ها:** عمار یاسر، اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله، حدیث فئته باغیه، شبهات ابن تیمیه، معاویه، ابن تیمیه و دفاع از معاویه، امام علی رضی الله عنه، عمرو عاص.

از جمله رخدادهای پیچیده صدر اسلام، جنگ‌های داخلی میان مسلمانان در دوره خلافت امیرمؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام است. پیچیدگی این جنگ‌ها تا آنجاست که در مقطعی، برخی صحابه رسول خدا صلی الله علیه و آله دچار تردید در حقانیت یک جبهه در مقابل دیگری شدند.<sup>۱</sup> از صدر اسلام تاکنون، از جهاتی و با اهدافی گوناگون، به چرایی، چگونگی، آثار و پیامدهای هریک از این نبردهای خانمان سوز توجه شده است؛ جنگ‌هایی که در نتیجه آن، بسیاری از صحابه بزرگ رسول خدا صلی الله علیه و آله در مقابل هم قرار گرفتند و نیروی مسلمانان به هزیمت رفت و کوشش‌های همه‌جانبه علی بن ابی طالب علیه السلام و یارانش در روشنگری نسبت به معرفی چهره باطل و مرموز معاویه و مشاوران حيله‌جویش بی‌اثر ماند. هرچند کوشش‌های کلی از گذشته تاکنون در خصوص این درگیری‌ها انجام شده، اما بررسی شبهه‌شناسانه در خصوص هریک از این نبردها کمتر انجام شده است. یکی از این نبردهای مهم، نبرد «صفین» و یکی از مسائل بسیار مهم در خصوص این نبرد، پیش‌گویی آینده‌نگرانه رسول خدا صلی الله علیه و آله در خصوص شهادت عمار یاسر به دست گروه ستمگر و باطل است.

مطابق حدیث رسول اکرم صلی الله علیه و آله، آن حضرت در پاسخ به شکوه عمار در خصوص تحمیل کارهای سنگین به او از سوی اصحاب، به گونه‌ای که ممکن است سبب مرگ و کشته شدن او شود، فرمودند: تو با این کارها کشته نخواهی شد تو را «فتنه باغیه» خواهند کشت.

این سخن حضرت، که در مرئی و منظر تعداد زیادی از مهاجر و انصار در خصوص آینده حیات و ممات عمار یاسر، در دفتر خاطرات اصحاب جا گرفته بود، در کنار نوید به آینده سعادت‌مندان و مرگ شرافتمندان عمار، در ذهن و ضمیر یاران پیامبر از عمار یاسر معیار و میزانی برای راستی راه و درستی رفتار و اقدامات او و جبهه‌ای که در آن قرار دارد، ساخته بود. از این رو، وقتی در جریان نبرد صفین، عمار به شهادت رسید، سخن رسول اکرم صلی الله علیه و آله در خاطرات اصحاب آن حضرت (که برخی در سپاه امام علی علیه السلام واندکی نیز در سپاه معاویه بودند) زنده شد و آنان را به تفکر و تأمل واداشت و موجب شد سپاه امام علی علیه السلام جازم‌تر شود و برخی یاران و سپاهیان آن حضرت از حالت سکون و سکوت خارج شده و بطور فعال در جبهه امام (ع) قرار گیرند و عده‌ای نیز از حضور در سپاه معاویه پشیمان شوند.

این تیمیه با طرح شبهاتی در اسناد، محتوا و دلالت حدیث خدشه کرده و به توجیه اقدام معاویه و عمرو عاص پرداخته است. اینکه اشکالات و شبهات این تیمیه چیست و پاسخ آنها بر اساس اسناد و منابع عمدتاً اهل سنت چگونه است، موضوع اصلی این پژوهش است.

۱. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۳، ص ۲۵۹؛ ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۳، ص ۱۵۷؛ محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح بخاری، ج ۱، ص ۹۳.

## شخصیت عمار

عمار بن یاسرین عامر بن عس بن مالک از تبار «مذبح یمن» و کنیه اش «ابوقحطان» بود. پدرش در جوانی از یمن به مکه عزیمت و در آنجا اقامت کرد و با/بوحدیفه از «بنی مخزوم» پیمان بست. عمار و پدر و مادرش (یاسر و سمیه) از سابقان در اسلام بودند. او یکی از نخستین مسلمانان<sup>۱</sup> و در کنار سلمان، مقلد و ابوذر از شیعیان اولیه به شمار آمده است.<sup>۲</sup>

ایشان پس از هجرت پیامبر ﷺ به مدینه، ملازم رکاب ایشان و در نبردهای بدر و احد بود و در تمام غزوه‌ها و برخی از سریه‌ها شرکت کرد<sup>۳</sup> و در بیعت رضوان نیز همراه رسول خدا ﷺ حضور داشت و توسط پیامبر گرامی بین او و حذیفه بن یمان پیمان برادری برقرار گردید.

صداقت و تعهد او به اسلام سبب شده بود که دیگران او را بیش از توانایی اش به کار وادار کنند. روزی عمار شکایت آنان را به حضور پیامبر برد و گفت: این گروه مرا کشتند! پیامبر در آن هنگام، کلام تاریخی خود را فرمودند که در قلوب همه حاضران نشست؛ فرمودند: «تو نمی‌میری تا وقتی که گروه ستمگر و منحرف از حق تو را بکشد. آخرین توشه تو از دنیا جرعه‌ای شیر است».<sup>۴</sup> این سخن در میان یاران پیامبر ﷺ منتشر و باعث مقاومت ایشان شد و موقعیت ویژه‌ای در میان مسلمانان برای او ایجاد کرد.

اولین شهیدای اسلام پدر و مادر ایشان بودند که در اثر شکنجه‌های مشرکان مکه به شهادت رسیدند.<sup>۵</sup> عمار یاسر پس از رحلت پیامبر اکرم ﷺ، از طرفداران امامت حضرت علی ﷺ بود؛ اما تا آنجا که همکاری با دستگاه خلافت به نفع اسلام بود، از یاری و همکاری با آنان دریغ نکرد. وی در زمان وفات عمر و ماجرای تشکیل شورای تعیین خلیفه، در گفت‌وگویی با عبدالرحمان بن عوف به او توصیه کرد حضرت علی ﷺ را انتخاب کند تا مردم دچار تفرقه نشوند.<sup>۶</sup> بعد از کشته شدن عثمان، عمار از جمله افرادی بود که مردم را به بیعت با حضرت علی ﷺ دعوت می‌کردند.<sup>۷</sup> در زندگی این صحابی کم‌نظیر رسول خدا، چندین رخداد بزرگ وجود دارد که هریک نقطه عطفی در تاریخ اسلام و تاریخ تفکر اسلامی تلقی می‌شود؛ پدیده‌هایی که برخی به امر خداوند و با آمدن جبرئیل امین پرده از عظمت عمار برداشت<sup>۸</sup> و برخی با کلام رسول امین خداوند، عمار

۱. ابن اثیر، اسدالغابة فی معرفة الصحابه، ج ۳، ص ۶۲۶-۶۲۸

۲. حسن بن موسی نوبختی، فرق الشیعه، ص ۱۸.

۳. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۳، ص ۱۰۹.

۴. «انک لن تموت حتی تقتلک الفئۃ الباغیة الناکیة عن الحق، یكون آخر زادک من الدنیا شربة لبن» (محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح بخاری،

ج ۱، ص ۹۳؛ عبدالحسین امینی، الغدیر، ج ۹، ص ۲۱-۲۲.

۵. سیدمحسن امین، اعیان الشیعه، ج ۱۳، ص ۲۸.

۶. محمد بن طاهر مقدسی، البدء و التاریخ، ج ۵، ص ۱۹۱.

۷. محمد بن حسن طوسی، الامالی، ص ۲۲۸.

۸. نحل: ۱۰۶.

را میزان و معیار تشخیص حق از باطل قرار داد.<sup>۱</sup> برخی هم با کلام ولی خدا امیرمؤمنان علی علیه السلام، عمار را جان فدای روزهای سخت تاریخ اسلام کرد.<sup>۲</sup>

### واکنش شرکت عمار در جنگ صفین در سپاه معاویه

در نبرد صفین، انتشار خبر شرکت عمار در سپاه امام علی علیه السلام دل‌های فریب‌خوردگان سپاه معاویه را لرزاند و برخی را بر آن داشت که در این باره تحقیق کنند. سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله درباره او در ذهن و ضمیر بسیاری منعکس شد. آنچه بر مردم شام تا حدی پوشیده بود شرکت عمار در سپاه امام علی علیه السلام بود. وقتی خبر شرکت احتمالی او در سپاه امام به درون سپاه شام نفوذ کرد، کسانی که تحت تأثیر تبلیغات مسموم معاویه قرار گرفته بودند درصدد تحقیق برآمدند. یکی از این افراد شخصیت معروف یمنی *ذوالکلاع* بود که در بسیج کردن قبایل حمیری به سود معاویه فوق‌العاده مؤثر بود.<sup>۳</sup>

البته بخت با معاویه و عمروعاص بود که *ذوالکلاع* قبل از عمار به قتل رسید؛ زیرا اگر بعد از شهادت عمار یاسر او زنده بود، دیگر عمروعاص نمی‌توانست با حرف‌های بی‌اساس خود او را فریب دهد و خود او در میان سپاه شام، مشکل بزرگی برای معاویه و عمروعاص می‌شد. بدین‌روی، پس از کشته شدن *ذوالکلاع* و شهادت عمار یاسر، عمروعاص خطاب به معاویه گفت: من نمی‌دانم به قتل کدام‌یک از آن دو خوشحال شوم: به قتل *ذوالکلاع* یا عمار یاسر؟ به خدا قسم، اگر *ذوالکلاع* بعد از قتل عمار یاسر زنده بود تمام اهل شام را به جانب علی بن ابی‌طالب علیه السلام بازمی‌گرداند.<sup>۴</sup>

بعضی از صحابه پیامبر صلی الله علیه و آله مانند خزیمه بن ثابت، که در جنگ جمل و صفین حاضر شده بود، ولی شمشیر از غلاف بیرون نیاورد، به سبب حضور عمار در جنگ متنبه شد و در جنگ صفین هنگامی که دید عمار به دست لشکر معاویه کشته شد، گفت: اکنون گروه گمراه برای من مشخص شد و در رکاب امام علی علیه السلام شروع به جنگ کرد تا اینکه به شهادت رسید.<sup>۵</sup>

۱. «إِنَّ عَمَّارًا مَلِيٌّ إِيْمَانًا مِنْ قَرْنِهِ إِلَى قَدَمَيْهِ وَ أُخْتَلَطَ الْإِيْمَانُ بِلَحْمِيهِ وَ دَمِيهِ» (ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۱، ص ۴۶۱)؛ «الْحَقُّ مَعَ عَمَّارٍ يَدُورُ مَعَهُ حَيْثُ دَارَ» (عبدالحسین امینی، الغدیر، ج ۹، ص ۲۵).

۲. ما ضَرَّ إِخْوَانَنَا الَّذِينَ سَفَكَتْ دِمَاؤَهُمْ وَ هُمْ بِصَفِينِ إِلَّا يَكُونُوا الْيَوْمَ أَحْيَاءَ، يَسْبِغُونَ النَّصَصَ وَ يَشْرِبُونَ الرِّنْقَ قَدْ وَاللَّهِ لَقَوَا اللَّهَ فَوْقَهُمْ أَجُورَهُمْ وَ احْلَهُمْ دَارَ الْإِمْنِ بَعْدَ خَوْفِهِمْ أَيْنَ إِخْوَانِي الَّذِينَ رَزَبُوا الطَّرِيقَ، وَ مَضَوْا عَلَى الْحَقِّ؟ أَيْنَ عَمَّارٌ؟ أَيْنَ ابْنُ تَيْهَانَ؟ أَيْنَ ذُو الشَّهَادَتَيْنِ؟ (نهج البلاغه، خطبه ۱۸۲: ابن ابی‌الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۰، ص ۹۹).

۳. محمدبن اسماعیل بخاری، صحیح بخاری، ج ۱، ص ۹۳؛ عبدالحسین امینی، الغدیر، ج ۹، ص ۲۲.

۴. ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ج ۳، ص ۳۱۰؛ محمدبن اسماعیل بخاری، صحیح بخاری، ج ۱، ص ۹۳.

۵. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۳، ص ۲۵۹.

سرانجام، عمار در جنگ صفین در ربیع‌الثانی سال ۳۷ق به شهادت رسید. پس از شهادت عمار، امام علی علیه السلام بر او نماز گزارند<sup>۱</sup> و به‌خاطر وصیت وی، بدون غسل و کفن در صفین دفن گردید. سن عمار هنگام شهادت، بالای ۹۰ سال بود. برخی ۹۳، برخی ۹۱ و برخی ۹۲ سال هم گفته‌اند.<sup>۲</sup>

در تمام منابع اهل سنت به شهادت عمار در صفین به دست سپاه معاویہ تصریح شده است. ابن‌اثیر در *اسدالغابہ* روایت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را درباره او چنین آورده است: «... تَقْتَلُهُ الْفِئَةُ الْبَاغِيَّةُ».<sup>۳</sup>

چنان که گذشت، وقتی عمار در صفین کشته شد، بسیاری از نیروهای معاویہ دست از جنگ کشیدند و از جنگ برگشتند؛ زیرا وقتی عمرو عاص خبر کشته شدن عمار را به معاویہ رساند، معاویہ گفت: کشته شد، که شد! عمرو عاص گفت: پیغمبر گفته بود که «تَقْتَلُهُ الْفِئَةُ الْبَاغِيَّةُ». با این حادثه، ثابت شد که ما گروه ستمگر و باغی هستیم. معاویہ که در رسیدن به هدف، استفاده از هر وسیله‌ای را توجیه می‌کرد، گفت: ما او را نکشتیم، عمار را کسی کشت که او را به جنگ آورد و در برابر شمشیرها و نیزه‌های ما قرار داد.<sup>۴</sup>

### شبہات ابن تیمیہ در قبال ماجرای عمار

ابن تیمیہ در کتاب *منہاج السنہ* خود،<sup>۵</sup> برای تبرئۃ معاویہ و سپاه او، که در جنگ صفین عمار را به شهادت رساندند، شبہاتی مطرح ساخته است که در این قسمت، مهم‌ترین آنها نقل و بررسی می‌گردد:

#### شبہة اول: ضعف سند روایت

ابن تیمیہ می‌گوید: حدیث عمار ضعیف بوده و پیامبر چنین سخنی نگفته است. او می‌نویسد: در اینجا اقوالی است؛ از جمله، قول کسی است که حدیث عمار را ضعیف دانسته است.<sup>۶</sup> او در جایی دیگر، درباره این حدیث می‌نویسد: برخی از افراد و ناقلان حدیث آن را تضعیف کرده‌اند.<sup>۷</sup> این در حالی است که - چنان که خواهد آمد - ابن تیمیہ قبول دارد که این حدیث در منابع اهل سنت آمده و مفروض، نقل حدیث در متون اصلی است.

۱. همان، ص ۲۶۲.

۲. ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۳، ص ۲۳۱.

۳. ابن‌اثیر، اسدالغابہ، ج ۴، ص ۱۳۵.

۴. احمد بن حنبل، مستند احمد بن حنبل، ج ۴، ص ۱۹۹، ح ۱۷۸۱۳؛ ابن تیمیہ، منہاج السنۃ النبویہ، ج ۴، ص ۳۵۷ و ۳۵۸.

۵. او این کتاب را در برابر کتاب «منہاج الکرامہ» علامه حلی نگاشته است.

۶. ابن تیمیہ، منہاج السنۃ النبویہ، ج ۴، ص ۳۹۰.

۷. همان، ص ۴۰۵.

اما بعد از این مفروض، نوبت به دسته‌بندی ناقلان می‌رسد. به نظر می‌رسد ناقلان را هم بتوان به دو دسته اصلی تضعیف‌کنندگان و تقویت‌کنندگان تقسیم کرد. طبیعی است کسانی که این حدیث را نقل کرده، اما نقد نکرده‌اند عدم نقد آنان دلالت بر پذیرش آنان دارد.

اما تقویت‌کنندگان را نیز می‌توان در دو گروه دسته‌بندی کرد:

۱. کسانی که این حدیث را نقل و صحت آن را تأیید کرده‌اند.

۲. کسانی که علاوه بر نقل تصریح، به تواتر آن اذعان نموده‌اند.

## بررسی

راویان این حدیث را می‌توان به سه دسته تقسیم کرد:

۱. کسانی از اهل سنت که معتقد به ضعف سندی این روایت‌اند. / بن‌تیمیه مدعی ضعف سند روایت شده، اما ذکر نکرده، چه کسانی این حدیث را تضعیف کرده‌اند، و گفته (برخی از افراد آن را تضعیف کرده‌اند)،<sup>۱</sup> اما اسامی روات حدیث که این حدیث را تضعیف کرده‌اند، ذکر نکرده است.

۲. کسانی که معتقد به صحیح بودن یا حسن بودن این حدیث‌اند. / بن‌حجر در شرح صحیح بخاری می‌نویسد: «حدیث (عمار را گروه ظالم خواهند کشت)، را جماعتی از صحابه از جمله قتاده بن نعمان، ام‌سلمه نزد مسلم، ابوهریره نزد ترمذی، عبدالله بن عمرو بن عاص نزد نسائی، عثمان بن عفان، حذیفه، ابویوب، ابورافع، خزیمه بن ثابت، معاویه، عمرو بن عاص، ابوالیسر و خود عمار نقل کرده‌اند. تمام این احادیث نزد طبری و دیگران موجود است. و بیشتر طرق آن صحیح یا حسن است.<sup>۲</sup> / بن‌حجر در جای دیگر می‌نویسد: «این حدیث بر حقانیت حضرت علی علیه السلام در آن جنگ‌ها دلالت دارد؛ زیرا اصحاب معاویه عمار را به قتل رساندند.<sup>۳</sup>

عده زیاد دیگری از علمای طراز اول اهل سنت این حدیث را نقل کرده و صحیح دانسته‌اند. برای نمونه، به نام چند تن از آنان اشاره می‌کنیم: بخاری،<sup>۴</sup> مسلم،<sup>۵</sup> حاکم نیشابوری،<sup>۶</sup> احمد بن حنبل،<sup>۷</sup>

۱. همان.

۲. ابن حجر عسقلانی، فتح الباری، ج ۱، ص ۵۴۳.

۳. همان، ج ۱۳، ص ۸۵ و ۸۶.

۴. محمد بن اسماعیل بخاری، صحیح بخاری، ج ۱، ص ۹۳.

۵. مسلم، صحیح مسلم، ج ۸، ص ۱۸۵.

۶. حاکم نیشابوری، معرفة علوم الحدیث، ص ۸۴.

۷. احمد بن حنبل، مسند احمد بن حنبل، ج ۳، ص ۳۰۰.

نسائی،<sup>۱</sup> ابن سعد،<sup>۲</sup> شمس‌الدین ذهبی،<sup>۳</sup> ابن کثیر دمشقی،<sup>۴</sup> ابن اثیر جزری،<sup>۵</sup> ابوالمؤیدالموفق بن احمد اخطب خوارزم،<sup>۶</sup> ابن عبدربه اندلسی،<sup>۷</sup> حافظ ابونعیم اصفهانی،<sup>۸</sup> حافظ ابوبکر بغدادی،<sup>۹</sup> بیهقی،<sup>۱۰</sup> سیوطی،<sup>۱۱</sup> و شیخ سلیمان بلخی قندوزی.<sup>۱۲</sup>

در نتیجه، با توجه به پذیرش تعداد بسیاری از علمای طراز اول اهل سنت و صحیح دانستن این روایت، می‌توان گفت: این حدیث از احادیث متواتر است که علمای عامه و شیعه درباره آن اتفاق دارند. از این رو، ضعف سند روایت، که ابن تیمیه آن را ادعا نموده، مورد تأیید هیچ‌یک از اندیشمندان متقدم اهل تسنن نیست؛ زیرا سخن یک تن، آن هم بدون دلیل، در برابر سخن این تعداد عالم حدیث‌شناس حجت نیست.

۳. اهل سنتی که افزون بر صحت حدیث معتقد به تواتر آن هستند. حدیث قتل عمار به دست گروه ستمکار، حدیثی ثابت و متواتر است؛ ۲۴ تن از صحابه آن را نقل کرده‌اند. سیوطی در *الخصائص الکبری* به تواتر آن تصریح نموده است،<sup>۱۳</sup> ابن کثیر در کتاب *البدایة و النهایة* می‌نویسد: در کتاب *صحیح مسلم*، از قول ابوسعید خدری آمده است که ایشان می‌گویند: *بوقتاده*، که از من بهتر است، از قول رسول اکرم ﷺ نقل می‌کند که آن حضرت به عمار فرمودند: «تو را گروهی ستمگر می‌کشند». همچنین از قول ابوسلمه نقل شده است که می‌گویند: رسول مکرم اسلام فرمودند: «عمار را گروهی ستمگر می‌کشند»، و در روایت دیگری فرمودند: «قاتل عمار در آتش جهنم است».<sup>۱۴</sup>

طبری نیز این روایت را در تاریخ خود آورده است. سند طبری به ابومسعود و حذیفه ختم می‌شود که از

۱. ابوعبدالرحمن نسائی، الخصائص، ص ۴۱.

۲. ابن سعد، الطبقات الکبری، ج ۳ ص ۲۵۲.

۳. شمس‌الدین ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۱، ص ۳۰۰.

۴. ابن کثیر دمشقی، البدایة و النهایة، ج ۳، ص ۲۱۷.

۵. ابن اثیر جزری، اسدالغابه، ج ۴، ص ۴۵.

۶. اخطب، المناقب، ج ۴، ص ۴۵.

۷. ابن عبدربه، المقدفرید، ص ۹۰.

۸. حافظ ابونعیم اصفهانی، حلیة الاولیاء و طبقات الاصفیاء، ج ۲، ص ۲۰۳.

۹. حافظ ابوبکر بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱۱، ص ۲۸۹.

۱۰. احمد بن حسین بیهقی، السنن الکبری، ج ۸، ص ۱۸۹.

۱۱. جلال‌الدین سیوطی، الخصائص الکبری، ج ۲، ص ۱۴۰.

۱۲. بلخی قندوزی، ینابیع الموده، ص ۱۲۸.

۱۳. سیوطی، الخصائص الکبری، ج ۲، ص ۱۴۰.

۱۴. ابن کثیر دمشقی، البدایة و النهایة، ج ۶ ص ۲۱۴.

رسول خدا ﷺ شنید که به عمار فرمودند: «ای پسر سمیه (عمار) تو را گروهی ستمگر به شهادت می‌رسانند».<sup>۱</sup>

همچنین مناوی در شرح جامع الصغیر سیوطی و دیگران این حدیث را متواتر می‌دانند.<sup>۲</sup> ابن عبدالبر در الاستیعاب می‌نویسد: اخبار متواتر از پیامبر رسیده که فرمودند: «عمار را گروه ظالم خواهند کشت»، و این از خبرهای غیبی و نشانه‌های نبوت آن حضرت است و از صحیح‌ترین احادیث به‌شمار می‌آید.<sup>۳</sup>

### شبهه دوم: عدم دلالت روایت بر حقانیت مواضع امیرمؤمنان در برابر معاویه

ابن تیمیه برای دفاع از معاویه و لشکرش در کشتن عمار می‌نویسد: حضور عمار در سپاه امام علی ﷺ و شهادتش به دست سپاه معاویه، بر حقانیت علی ﷺ و گمراهی معاویه دلالت نمی‌کند؛ زیرا هر دو به اجتهاد خود عمل کردند و در نهایت، می‌توان گفت: معاویه در اجتهاد خود خطا کرده، و هر مجتهدی ممکن است خطا کند.<sup>۴</sup>

### بررسی

اولاً، بزرگان روایی اهل سنت با این عقیده/بن تیمیه مخالفت کردند. حتی برخی از بزرگان اهل سنت علیه/بن تیمیه و این نظر شاد او، مطلب نوشتند و شدت نظر او را رد کردند. برای مثال:

۱. ابن حجر در شرح صحیح البخاری می‌نویسد: در این حدیث، نشانه‌ای از نشانه‌های نبوت و فضیلتی آشکار برای علی ﷺ و عمار است و نیز ردی بر افراد ناصبی که گمان کرده‌اند علی ﷺ در جنگ‌هایش بر حق نبوده. حدیث معروف «عمار را گروه ظالم می‌کشد» بر این دلالت دارد که علی ﷺ در آن جنگ‌ها بر حق بوده است؛ زیرا اصحاب معاویه عمار را به قتل رساندند.<sup>۵</sup>

۲. بدرالدین عینی صاحب کتاب عمدة القاری که شرحی است بر صحیح بخاری، مطلبی را از کرمانی، که او هم از شارحان صحیح بخاری است، در دفاع از معاویه نقل می‌کند و سپس در مقام پاسخ از او برآمده، می‌نویسد: چگونه می‌شود گفت که معاویه در اجتهادش خطا کرده است؟ اصلاً دلیل بر اجتهاد معاویه چیست؟ چگونه معاویه اجتهاد کرده است، درحالی که این حدیث پیامبر به او رسیده بود که فرمود: «خدا عمار را خیر بدهد! او را گروه ستمگر خواهند کشت». و ابن سمیه همان عمار است. و او را در جنگ صفین، گروه ستمگر (معاویه) به قتل رساندند. آیا معاویه به این راضی نیست که فرقی بین کشتن و یا نکشتن عمار باشد، به طوری که اگر بکشد، یک اجر هم ببرد؟<sup>۶</sup>

۱. محمدبن جریر طبری، تاریخ الامم و الملوک، ج ۳، ص ۹۸.

۲. محمد عبدالرؤف بن تاج العارفین مناوی، فیض القدر، ج ۶، ص ۳۶۶.

۳. ابن عبدالبر، الاستیعاب، ج ۲، ص ۴۸۱.

۴. ابن تیمیه، منهاج السنة النبویه، ج ۴، ص ۳۹۱.

۵. ابن حجر عسقلانی، فتح الباری، ج ۱۳، ص ۸۶۸۵.

۶. بدرالدین عینی، عمدة القاری، ج ۲۴، ص ۱۹۲.



۳. زهری از حمزہ بن عبد اللہ و او از پدرش عبد اللہ بن عمرو عاص نقل کرده است که گفت: من از چیزی پشیمان نیستم، جز اینکه چرا طبق دستور خداوند مبنی بر نبرد با فئۃ باغیہ، من با فئۃ باغیہ ننگیدم. اگر کسی بگوید که عبد اللہ بن عمرو عاص، جزو رویان حدیث فئۃ باغیہ است، و خودش به معاویہ این حدیث را متذکر شد؛ پس چگونه خودش در فئۃ باغیہ و گروه ستمگر بود؟! در جواب می توان گفت: از عبد اللہ بن عمرو عاص نقل شده است که گفته: من در سپاه معاویہ (فئۃ باغیہ) بودم، ولی یک ضربه شمشیر نزد، یک تیر هم نینداختم! من فقط دستور پیامبر را اطاعت کردم که به من گفته بود: از پدرت اطاعت و پیروی کن! من هم از پدرم عمرو عاص اطاعت کردم و در صفین حضور پیدا کردم!

۴. نسائی در دمشق، وقتی در بالای منبر فضایل امیر مؤمنان علی علیه السلام را نقل می کرد، به او گفتند: از فضایل معاویہ هم سخن بگو! نسائی گفت: مگر معاویہ فضیلتی هم دارد؟ آیا به جنگ صفین راضی نیست، و دنبال اجر و پاداش هم می گردد؟ شما با این کار او، دنبال فضایل هم برای او می گردید؟ پس از این سخن، او را در وسط مسجد جامع اموی کتک زدند و کشان کشان از مسجد بیرون بردند و چنان بر شکمش ضربه وارد کردند که بر اثر همین ضربات جان سپرد.

ثانیاً، این بیان ابن تیمیہ، که معاویہ به اجتهاد خود عمل کرده، دقیقاً اجتهاد در مقابل نص است؛ زیرا بر اساس این توجیہ، آینده نگری و فضایل رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم که برخی آن را معجزه دانستند، به کنار نهاده می شود. در حقیقت، ابن تیمیہ باید یکی از دو امر را انتخاب کند: یا تضعیف پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و احادیث ایشان و تبرئۃ معاویہ، و یا تأیید پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و محکومیت معاویہ در جنگ صفین و کشتن عمار. این در حالی است که آیات متعدد و روایات فراوانی بر جایز نبودن اجتهاد در مقابل نص دلالت دارد. در اینجا، به دو آیه و دو روایت یکی از طریق شیعه و یکی از طریق اهل سنت، اشاره می شود:

## آیات

۱. «آنچه را پیامبر برای شما آورده است، بگیرید و از آنچه نهی کرده است، خودداری کنید».<sup>۲</sup>
  ۲. «و هیچ مرد و زن با ایمانی حق ندارد هنگامی که خدا و پیامبرش حکمی را لازم بدانند اختیاری از خود (در برابر فرمان خدا) داشته باشد و هر کس نافرمانی خدا و رسولش کند به گمراهی آشکاری گرفتار شده است».
- از این دو آیه، استفاده می شود که همه مؤمنان به پیروی از حکم خدا و رسول او ملزم اند و در برابر آن، هیچ گونه اختیاری ندارند و معصیت و تخلف از امر خدا و رسول، نشانه گمراهی انسان دانسته شده است.<sup>۳</sup> از آیه ۳۶ سوره

۱. همان.

۲. «وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا» (حشر: ۷).

۳. «وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا لِمُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا» (احزاب: ۳۶).

احزاب هم به خوبی استفاده می‌شود که اعتماد به نظر خود و دیگران در برابر حکم خدا و رسول او نشان گمراهی قطعی بوده و به طور مسلم حرام است، و مؤمنان حق ندارند در برابر خواسته خدا و رسول او خواسته دیگری را برگزینند. و روشن است که اجتهاد در برابر نص، چیزی جز اختیار خواسته خود یا دیگران در برابر حکم خدا، رسول و اولی الامر نیست.

## روایات

۱. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هر کس در دو درهم به غیر آنچه خدا نازل کرده حکم کند، کافر شده است». راوی از امام می‌پرسد: کافر به آنچه خدا نازل کرده یا به آنچه بر محمد صلی الله علیه و آله نازل شده است؟ حضرت فرمودند: «وای بر تو! هر گاه کسی به آنچه بر محمد صلی الله علیه و آله نازل شده است کافر شود، به تحقیق به آنچه خدا نازل فرموده نیز کافر شده است».<sup>۱</sup>

۲. مردی از قبیله «ثقیف» از خلیفه دوم درباره حج مسئله‌ای پرسید. عمر پاسخ او را داد. آن مرد گفت: از پیامبر این مسئله را پرسیدم، پاسخی دیگر به من داد. عمر بلند شد و شروع به کتک زدن او کرد و گفت: چرا از من چیزی سؤال می‌کنی که پیامبر در آن مسئله نظر داده است؟<sup>۲</sup>  
گرچه حق این بود که عمر پیش از فتوا، از حکم کتاب و سنت تفحص می‌کرد و سپس فتوا می‌داد و عدم تفحص از کتاب و سنت، نشان نقص اجتهاد است، ولی مطلب یادشده بر اصل اینکه در مقابل کلام رسول اکرم صلی الله علیه و آله نمی‌شود فتوا داد، دلالت دارد.

اجتهاد در مقابل نص در حقیقت، کفر به چیزی است که خدا و رسول او به آن دستور داده‌اند و باید از آن پرهیز کرد، هر چند کفر در این روایت، به معنای «ارتداد» نیست.  
اضافه بر این، اگر راه برای اجتهاد در مقابل نص گشوده شود، چه دلیلی دارد که دیگران دست به چنین کاری نزنند؟ آیا اجتهاد مخصوص یک نفر است و دیگران مجتهد نیستند؟ با گشوده شدن باب اجتهاد در برابر نص، چیزی از احکام الهی مصونیت پیدا نمی‌کند، و هرج و مرج غریبی در احکام جاودانه اسلام پدید می‌آید و در واقع، کل احکام اسلام به خطر می‌افتد.

## تسبیه سوم: شهادت عمار و برداشت وارونه از پیش‌گویی خاتم انبیا صلی الله علیه و آله

وقتی عمرو عاص خبر کشته شدن عمار به دست لشکر معاویه را به او رساند، معاویه گفت: عمار کشته شد که شد! عمرو عاص گفت: پیغمبر گفته بود که «تَقْتُلُهُ الْفِتْنَةُ الْبَاغِيَّةُ». با این اتفاق، ثابت شد که ما گروه ستمگر هستیم. معاویه

۱. محمد بن حسن حرعاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۷، ص ۳۵.

۲. میرحامد حسین لکهنوی، عقبات الانوار، ج ۲۲، ص ۶۹۸.

با زیرکی قصد داشت مذمت پیامبر را از خود رد کند؛ گفت: عمار را ما نکشتیم، عمار را کسی کشت که او را به جنگ آورد و در برابر شمشیرها و نیزه‌های ما قرار داد. پس علی علیه السلام عامل کشته شدن عمار است و حدیث شامل حال او می‌گردد. / ابن تیمیه همین مطلب معاویه را در کتاب خود مطرح نموده و از این سخن معاویه دفاع کرده است. / ابن تیمیه در این بخش، در دفاع از معاویه سراغ جریان جنگ جمل رفته و در دفاع از معاویه آورده است: اگر دلیل معاویه بر ضد علی مردود تلقی شود، دلیل کسانی که معتقدند در جنگ جمل طلحه و زبیر مقصر ورود عایشه در معرکه جمل و مسبب اهانت به او بودند، نیز مردود است. در واقع، / ابن تیمیه این دو واقعه را متمایز دانسته و نتیجه گرفته: اگر در جریان شهادت عمار علی بن ابی طالب مقصر نیست، در جریان جنگ جمل هم نیز طلحه و زبیر - که گفته شده آنان سبب اصلی فریب و حضور عایشه در جنگ جمل بوده‌اند - مقصر نخواهند بود.

### بررسی

پاسخ این شبهه را امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمودند: اگر چنین باشد که قاتل افراد آن کسی است که در لشکر او می‌جنگد، نه افراد مقابل و کشتندگان او، پس قاتل حمزه سیدالشهدا نیز رسول الله صلی الله علیه و آله است که او را به جنگ احد برده بود.<sup>۲</sup> علمای اهل سنت نیز به این مطلب اعتراف نموده‌اند؛ از جمله:

علامه عبدالرؤوف مناوی در کتاب فیض القدر، که شرحی است بر جامع الصغیر سیوطی، می‌نویسد: حدیث «تقتله الفئة الباغیة» صریح است در اینکه گروه معاویه همان گروه ستمگر هستند که عمار را در جنگ صفین به قتل رساندند، و اینکه حق با حضرت علی علیه السلام بود. و این از اخبار غیبی است. «یدعوهم» یعنی: عمار اصحاب معاویه را، که او را در جنگ صفین به قتل رساندند، به بهشت دعوت می‌کند. «دعوت به بهشت»، یعنی: دعوت به سبب بهشت؛ یعنی: دعوت به اطاعت امام حق. در طرف دیگر، آن گروه ستمگر او را به سبب آتش دعوت می‌کنند، و آن سبب نافرمانی امام و نبرد با اوست. گفته‌اند که قتل عمار در جنگ صفین بود. عمار آنها را به امام حق دعوت می‌کرد، ولی سپاه معاویه او را به آتش دعوت می‌کردند. این داستان از معجزات نبی مکرم و نشانه‌های از نشانه‌های نبوت ایشان است.<sup>۳</sup>

افزون بر آن، قیاس این دو رخداد مع الفارق است؛ زیرا اولاً، درباره عایشه و عاقبت حیات و مماتش با آنکه همسر پیامبر بود و از این نظر محترم است، حدیثی وارد نشده، بلکه احادیثی در جهت هشدار به او در خصوص داخل نشدن در رخدای آینده در منابع ثبت شده است، و حتی نزدیکان عایشه برخی از آنها را به او یادآور شدند. ثانیاً، عایشه خود بعد از جمل و حتی در ماجرای جمل پشیمان شده بود. ثالثاً، علی بن ابی طالب علیه السلام بعد از پایان جنگ

۱. احمد بن حنبل، مسند احمد بن حنبل، ج ۴، ص ۱۹۹، ح ۱۷۸۱۳؛ ابن تیمیه، منهاج السنة النبوه، ج ۴، ص ۳۵۷ و ۳۵۸.

۲. محمد بن عبدالله حمیری، الروض المعطار فی خبر الاقطار، ج ۱، ص ۳۶۳.

۳. محمد عبدالرؤوف مناوی، فیض القدر، ج ۶، ص ۳۶۵.

و شکست اصحاب جمل، به رغم اشتباه آشکار آنان و افسوس و حسرت نسبت به برخی اصحاب و کشته شده‌ها، که عاقبت بخیر نشده بودند، همسر پیامبر را با احترام کامل و بدون اینکه به کسی اجازه دهند کمترین اهانت یا جسارتی به او روا دارند، به همراه محارمش، از جمله محمد بن ابی بکر به مدینه فرستادند. پس به هیچ روی، این دو رخداد متمایز نبوده و قابل قیاس نیستند.

## نتیجه گیری

اشکالات و شبهات/بن تیمیه در باب سخن رسول خدا ﷺ در خطاب به عمار یاسر که «انک لن تموت حتی تقتلک الفئة الباغیة الناکبة عن الحق» و شهادت عمار در جنگ صفین به دست سپاه معاویه، دسته بندی و نسبت به هریک با عنایت به منابع اهل سنت، پاسخ‌هایی ارائه شد:

۱. در خصوص ادعای ضعف سند، تلاش شد تا با دسته بندی عالمان اهل سنت در این خصوص (۱). کسانی که معتقد به ضعف سندی این روایت اند. ۲. اهل سنتی که معتقد به تواتر این حدیث اند. ۳. کسانی که معتقد به صحیح یا حسن بودن این حدیث اند، ادعای/بن تیمیه از زبان عالمان اهل سنت پاسخ داده شود.
۲. در پاسخ به شبهه دلالت نداشتن شهادت عمار در سپاه امام علی علیه السلام بر حقانیت مواضع و نبردهای آن حضرت نیز تلاش شد اقوال عده ای از بزرگان اهل سنت، که با این عقیده/بن تیمیه مخالفت کرده و در رد این نظر شاذ او مطلب نوشته اند گزارش و تحلیل گردید.
۳. نشان داده شد که سخن معاویه در نقل/بن تیمیه اجتهاد در مقابل نص است. در این زمینه، بر آینده نگری رسول خدا ﷺ، که برخی از اهل سنت آن را در حد معجزه دانسته اند، تأکید گردید.
۴. در خصوص برداشت وارونه از پیش گویی خاتم انبیا ﷺ در شهادت عمار و شبهه قتل عمار، که آن را نتیجه اقدام امام علی علیه السلام تلقی کرده بودند، با استناد به گزارش های منابع حدیثی اهل سنت و پاسخ امام علی علیه السلام در این باره، قیاس/بن تیمیه و متمایل دانستن ماجرای عمار با ماجرای طلحه و زبیر در جنگ جمل، مع الفارق دانسته شد و از این طریق، حقانیت امام علی علیه السلام و سپاه ایشان نه تنها در جنگ صفین، بلکه در دیگر نبردهای آن حضرت - چنان که برخی از نویسندگان اهل سنت بدین امر نیز اذعان کرده اند - مطمح نظر قرار گرفت.

## منابع

- نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، قم، آل طه، ۱۳۷۹.
- ابن ابی الحديد، عزالدین، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، قم، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۴ق.
- ابن اثیر، علی بن ابی الکریم، أسد الغابة فی معرفة الصحابه، بیروت، دارالمعرفه، ۲۰۰۱ م.
- ، الكامل فی التاريخ، بیروت، دار صادر، ۱۳۸۵ق.
- ابن تیمیه، احمد بن عبدالحلیم بن تیمیه الحرانی، منهاج السنة النبویه، تحقیق محمد رشاد سالم، بی جا، مؤسسه قرطبه، ۱۴۰۶ق.
- ابن حجر عسقلانی، علی بن احمد، فتح الباری شرح صحیح البخاری، محقق محب الدین الخطیب، بیروت، دارالمعرفه، ۱۳۷۹ق.
- ابن سعد، محمد بن سعد، الطبقات الکبری، تحقیق محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۰ق.
- ابن عبد ربّه، احمد بن محمد بن، العقد الفرید، محقق مفید محمد قمیحه، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۴ق.
- ابن عبدالبر، عبدالله بن محمد، الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، تحقیق علی محمد معوض و عادل احمد عبدالوجود، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق.
- ابن کثیر دمشقی، اسماعیل بن، البدایة و النهایة، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۷ق.
- احمد بن حنبل، مسند احمد بن حنبل، محقق غضبان عامر، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۱۶ق.
- اخبط (احمد بن محمد مکی خوارزمی)، المناقب، تحقیق مالک المحمودی، چ دوم، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۴ق.
- اصبهانی، احمد بن عبدالله، حلیة الأولیاء و طبقات الأصفیاء، مصر، السعاده، ۱۴۱۲ق.
- امینی، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق و تعلیق حسن الامین، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات، ۱۴۲۰ق.
- امینی، عبدالحسین، القدير، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۳۹۷ق.
- بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، بی جا، دارالفکر، ۱۴۰۱ق.
- بغدادی، احمد بن علی بن ثابت، تاریخ بغداد، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۷ق.
- بلخی قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، منابع الموده، قم، کتابفروشی بصیرتی، بی تا.
- بیهقی، احمد بن حسین بن علی بن موسی، السنن الکبری، محقق محمد عبدالقادر عطا، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۴ق.
- حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، معرفة علوم الحدیث، حیدرآباد، دکن، چاپ معظم حسین، ۱۳۸۵ق.
- حرعاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۹ق.
- حمیری، عبدالله بن عبدالمنعم، الروض المعطار فی خبر الأقطار، محقق احسان عباس، بیروت، مؤسسه ناصر للثقافه، ۱۹۸۰م.
- ذهبی، شمس الدین، تاریخ الإسلام و وفیات المشاهیر و أعلام، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۹ق.
- سیوطی، جلال الدین، الخصائص الکبری، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۲۰۱۰م.
- طبری، محمد بن جریر، تاریخ الامم و الملوک، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دارالتراث، ۱۳۸۷ق.
- طوسی، محمد بن حسن، الأمالی، قم، دارالثقافه للطباعه و النشر و التوزیع، ۱۴۱۴ق.
- عینی، محمود بن احمد، عمدة القاری شرح صحیح البخاری، محقق عبدالله محمود محمد عمر، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۱ق.
- لکهنوی، میرحامد حسین، عقبات الأتوار فی إمامة الأئمة الأطهار، چ دوم، اصفهان، کتابخانه عمومی امام امیرالمؤمنین علی، ۱۳۶۶.

۱۲۶ ❖ تاریخ اسلام در آئینه پژوهش، سال چهاردهم، شماره اول، پیاپی ۴۲، بهار و تابستان ۱۳۹۶

مقدسی، محمدبن طاهر، *البدء والتاریخ*، بور سعید، مكتبة الثقافة الدينية، بی تا.

مناوی، محمد عبدالرؤف بن تاج العارفين، *فیض القدير بشرح الجامع الصغير*، مصر، المكتبة التجارية الكبرى، ۱۳۵۶ق.

نسائی، ابو عبدالرحمن احمد بن علی، *الخصائص*، تحقیق سید جعفر حسینی، قم، دارالتقلین، ۱۴۱۹ق.

نوبختی، حسن بن موسی، *فرق الشیعه*، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۴ق.

نیسابوری، مسلم بن حجاج، *المسند الصحیح المختصر بنقل العدل عن العدل إلى رسول الله (صحيح مسلم)*، محقق محمدفؤاد

عبدالباقی، بیروت، دار إحياء التراث العربی، بی تا.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی